

حملات رژیم صهیونیستی و فعالیت‌های معاندان داخلی، همبستگی را بیشتر کرده است

ایرانی باخت نمی‌دهد

احمد رضا سپه‌وند
خبرنگار

صفوف به‌هم‌پیوسته مردم این بار بیشتر و قوی‌تر از هر زمانی حمایت مردم از ایران را نشان می‌دهد. این اولین‌بار نیست که خاک ایران با بحران روبه‌رو می‌شود؛ بحران‌هایی که شدت و ضعف‌های متنوعی داشته؛ اما این بار این بحران متفاوت‌تر است. این بار ملت ایران در جنگی ناخواسته وارد شده و دشمنن به خاک کشورمان تجاوز کرده است. در این بین اما برای تضعیف روحیه مردم، دشمنن ملت ایران را به جنگ روانی وارد کرده است. دشمنن تمام تلاش خود را به کار گرفته با هر روشی که شده باعث تضعیف ایران شود و باز هم مثل سابق از به‌هم‌ریختگی ملت ایران سود ببرد و با استفاده از این آشفتگی داخلی ضربات خود را به پیکره کشور وارد کند؛ اما غافل از اینکه این روش، روش دیرینه دشمنان ایران است. ملتی که هزارویک تنوع فکری و عقاید فراوان و گاه متضادی دارد، امروز دیگر تضادها و تعدد افکار برایشان معنایی ندارد و همگی یک‌صدا یک امت واحد را تشکیل داده‌اند و زیر پرچم ایران، هویتی واحد را تشکیل داده‌اند. امروز هویت ملی و ایرانی بیشتر از هر زمانی در کشور حس می‌شود و عامل خارجی باعث ازهم‌گسیختگی این ملت نخواهد شد. امروز همه ملت ایران یک دشمن واحد دارند و هرکسی هم ذرهای با این دشمن همراهی کند مورد غضب و خشم ایرانیان قرار خواهد گرفت. همه امروز یک‌صدا ورد لبشان وطن است و دغدغه‌ای غیر از وطن ندارند.

امروز همه ملت در یک صف برای ایران تعریف می‌شوند

جواد بادین‌فکر با اشاره به این موضوع که مشکلاتی وجود دارد؛ ولی امروز همه ملت یک‌صدا شده‌اند، گفت: «بر کسی پوشیده نیست که بخشی از مردم از اوضاع کشور خشنود نیستند. این مسئله از خیلی قبل‌ترها وجود داشته است و قابل انکار نیست. گروهی نیز در حال حاضر دچار از هم شکافتگی ذهنی شده‌اند و نمی‌توان در مورد آن‌ها نظر داد؛ همان کسانی که بعضاً از مشکلات اخیر خوشحال می‌شوند. واقعاً در خصوص این گروه از افراد در حال حاضر صحبتی ندارم. مسئله مهم این است که امروز جامعه ما و مردم ما بهتر و بیشتر از هر زمانی در کنار هم و دوشادوش یکدیگر برای دفاع از ایران قرار گرفته‌اند و امروز باید از هر اقدامی جلوگیری کرد که این اتحاد را به هم بزند یا این صف واحد شکل گرفته شده را بخوابد بشکند. هر اقدامی در هر زمینه‌ای که باشد؛ چه سیاسی، چه فرهنگی، چه اقتصادی و... باید اقدامی ضدایمانی شناسخته شود و همه ملت و دولت از آن دوری کنند و آن موضوع از طرف مردم طرد شود. باید از هرگونه اختلاف‌نظر سیاسی و جدل دوری کرد، همیشه اختلافات جناح‌های سیاسی در ایران وجود داشته، همیشه عده‌ای از برخی موضوعات ناراضی بوده‌اند و شاید حق هم داشته باشند، ولی در حال حاضر نباید روی مسائلی غیر از ایران و مسئله حیاتی حال حاضر ایران مطلق بمانیم. هر مسئله‌ای که می‌خواهد باشد، الان وقت آسیب‌شناسی و نقد به ساختارها نیست. باید جنگ تمام شود، تا آن روز هر چه در دل‌هایمان داریم را در همان دل‌هایمان نگه داریم تا روزی که ایران دوباره به وضعیت عادی برگرد و دشمنی خارجی ما را تهدید نکند.»

امروز دولت باید بهتر از هر زمانی حواسش به همبستگی مردم باشد

بادین‌فکر با اشاره به اینکه دولت باید تمام‌قد کنار مردم باشد گفت: «این روزها هر اتفاقی از جانب دولت (دولت به معنای تمام ارکان حاکمیت) می‌افتد باید با در نظرگرفتن تمام ابعاد باشد و نباید عملی نسنجیده اتفاق بیفتد که باعث برهم‌خوردن نظم و انسجام به وجود آمده باشد باید همچنان به نیازهای مردم احترام گذاشته شود و اگر قرار است محدودیتی اعمال شود در هر عرصه‌ای، این محدودیت با تیینی درست همراه باشد تا مردم بدانند چنین محدودیتی واجب بوده است، به طور مثال بخشی از همبستگی امروز ملت را مدیون همین شبکه‌های اجتماعی هستیم. از طریق شبکه‌های اجتماعی است که موجی عظیم از همبستگی به وجود آمده است. خیلی‌ها در این اوضاع دارند برای ایران و همبستگی ایرانی تولید محتوا می‌کنند و باعث اتحاد ملتند. این فضا نباید از بین برود. فضا می‌بازاید به طور گسترده محدود بشود، به این دلیل که همین شبکه اجتماعی راه اطلاع‌رسانی به ملت است، صداوسیما مسیری سریع نیست. اگر قرار است به طور مثال در این عرصه محدودیتی ایجاد بشود باید به همه ابعاد آن دقت شود. به نظر بنده همین شبکه‌های اجتماعی تا الان ابعاد اجتماعی بسیار خوبی داشته‌اند؛ ولی از بعد امنیتی را اطلاعی ندارم.»

دولت باید در کنار مردم فعالیت داشته باشد

او با اشاره به حضور و همراهی دولت بسا مردم گفت: «در اوضاع کنونی ارتباط مؤثر بین دولت و مردم باید شکل بگیرد. حضور گسترده دولتمردان در بین مردم بسیار مؤثر است. صحبت‌های سخنگوی دولت در تلویزیون

بسیار مؤثر است. همچنین حضور وزرا و رئیس‌جمهور در بین مردم و در تلویزیون بسیار خوب است و این موارد باید بیشتر شود. رئیس‌جمهور باید سخنرانی‌های بیشتری داشته باشد و دائماً با مردم در ارتباط باشد. مردم باید به‌درستی درک کنند که امروز همه دولتمردان تمام‌قد در کنارشان ایستاده‌اند و ذره‌ای در وظایفی که به گردن آنهاست کوتاهی نمی‌کنند.»

واقعاً جنگ است؛ با آن فانتزی برخورد نکنیم

بادین‌فکر با تأکید بر قبول‌کردن اوضاع جنگی کشور گفت: «واقعاً جنگ است و جنگ را باید به معنای واقعی جنگ ببینیم و با آن برخورد فانتزی نداشته باشیم. مردم کاملاً حس کرده‌اند که جنگ است، این را از خروجی‌های تهران می‌توان فهمید و نیاز به نظرسنجی هم ندارد. این ترس به وجود آمده باید مدیریت و بالانس شود. یکی از راه‌هایش این است که بپذیریم واقعاً امروز عرصه ایران عرصه جنگ است و مقامات دولتی هم در پی عادی‌سازی نباشند. البته باید توجه داشت‌ت که جنگ دلیل بر بحران نیست و کارگزاران دولت با تلاش‌های خود تا امروز به خوبی از خود عملکرد نشان داده‌اند. این را از وضعیت عادی خدما‌ت‌رسانی می‌توان متوجه شد و مردم از قطعی رنج نمی‌برند.»

همبستگی امروز ملت هزار برابر است

وی با اشاره به این که هویت ملی باید همیشه حفظ شود، گفت: «ما ملتی داریم با هزارویک نوع تفکر خاص و عقاید متنوع و گاهی متضاد، اما باید توجه داشت همین ملت در یک نقطه مشترک، همه به یکدیگر می‌پیوندند و آن هم نقطه هویت ملی است. در ایران همواره این نقش هویت ملی پر رنگ بوده است و هرگز از بین نمی‌رود؛ گاهی کم‌رنگ می‌شود و گاهی هم مثل امروز در اوج خودش قرار می‌گیرد. ما از زمانی که معنی دولت – ملت ایران را فهمیده‌ایم یک نقطه‌ای به اسم هویت ملی به وجود آمده که همیشه پر قدرت و پر رنگ بوده است و ما همیشه بر محور آن ادبیات تولید کرده‌ایم و ایسن هویت ملی همواره در وجود همه ما یک جایگاه مرکزی دارد. خاک ایران، خود ایران و تعلق ملی‌ای که داریم نقطه و سنگر نهایی است که ما را به یکدیگر متصل می‌کند و همه ما در آن سنگر جمع می‌شویم و این هویت ملی به همه ما تعلق دارد، حالا هر دولتی که می‌خواهد در آن زمان مدیریت آن سنگر را به عهده داشته باشد، باید توجه داشت هرگز این هویت ملی از بین نمی‌رود و این هویت ملسی و تأکید بر آن باید الگوی زندگی هر روزه امت باشد؛ روزی این جنگ به پایان می‌رسد و امیدوارم در آن روز هم ما به همین شکل و با زبان منابع ملی کشورمان را اداره کنیم که این موضع باعث رشد و درخشش ایران خواهد بود.»

اجتماعات امروز نشان همبستگی ماست

این جامعه‌شناس با اشاره به همبستگی اجتماع غدیر افزود: «همین چند روز پیش در اجتماع مهمانی ۱۰ کیلومتری غدیر در تهران، چند نوجوان نظر من را جلب کردند؛ نوجوانانی که ظاهری متفاوت نیست به خیلی‌ها داشتند. با آن‌ها که صحبت می‌کردیم می‌گفتند تا امروز در این گونه اجتماعات شرکت نکرده بودیم. شناسخت چندانی هم نه از غدیر داریم و نه از اهمیت آن که برایمان این روز مهم باشد. می‌گفتند فقط به خاطر حمله اخیر و برای اینکه نشان دهیم ما همچنان پای کار کشورمان هستیم در این راهپیمایی شرکت



کرده‌ایم و روز غدیر چندان موضوعیتی برای آن‌ها نداشت. به قول خودشان فقط برای نشان دادن ابهت ایران در این مسیر شرکت کرده‌اند. این گونه و این قشر مردم در کشور ما کم نیستند و متأسفانه این بخش و ذهن آن‌هایی تفاوت در اختیار بیگانگان و کسانی که ذهن مردم را بر علیه این هویت ملی به کار می‌گیرند قرار گرفته است. این‌ها همگی کسانی هستند که حاضرند جانشان در خطر باشد ولی کوچک‌ترین خدشه‌ای به وطنشان وارد نشود.»

وطن شبیه آغوش مادر و سنگر آخر است

بادین‌فکر ضمن اشاره به اهمیت هویت ملی اضافه کرد: «ما هر وقت به بحران و به بن‌بست می‌رسیم به مام وطن بر می‌گردیم. در لحظات حساس، در بازی‌های تیم ملی و جام جهانی، در فینال‌های گشتی گشتی‌رانمان در المپیک و در نهالست در روزهای جنگ برمی‌گردیم به وطن و هویت ملی خودمان. این همان سنگری است که باید هر روز و هر لحظه به آن عادی‌داشته باشیم و هر لحظه در فکر این هویت ملی و مادری باشیم که آغوشش را برای ما باز کرده است. هویت ملی ما دقیقاً شبیه مادری است که پناهگاه آخر هر بچه‌ای است در مواقعی که با دوستانش دعوا می‌کند و به مشکل برمی‌خورد و دیگر پناهی ندارد. این مدل بر خورد مادرانه نباید محدود شود به برخی موقعیت‌های خاص. ایران متحدکننده‌ترین عنصر ما در مواقع بحرانی است و این عنصر و خوانش هویت ایرانی اسلامی می‌تواند پاریگر ما در این عرصه بحران باشد.»

جامعه باید تماماً نقش ایران بگیرد

بادین‌فکر با اشاره به اهمیت ویژه تأکید بر ایران و نمادهای ایرانی افزود: «امروز یک حرکت خودجوش اجتماعی از پایین و از بین بدنه مردم شکل گرفته است. ناخودآگاه جمعی ما باعث شده به این وضعیت وحدت و انسجام برسیم. کهن الگوهای تاریخی ما باعث شده این رویکرد مردمی که باعث انسجام شده است شکل بگیرد. هنگامی که مردم در موقعیت ترس و بحران قرار می‌گیرند، این همبستگی ملی خودبه‌خود شکل می‌گیرد. تمرکز الان ما باید تماماً بر روی ایران باشد. باید تمام بیلبوردها و تابلوهای تبلیغاتی ما منقش به ایران بشود و دیوار نگاره‌های ما تماماً نقش پرچم ایران بگیرد و صداوسیما هم دائماً بر مسئله ایران و نمایش ایران تمرکز کند، از طرفی هم تمام کارگزاران ملت از یج سینه‌های ایران استفاده کنند و در یک‌کلام، ایران باید تماماً نقش ایران بگیرد. هر جا به هر اندازه که امکان دارد باید منقش به نقش ایران شود.»

باید زبان مشترک خلق کرد

او با اشاره به اهمیت تولیدات رسانه‌ای در شرایط جنگی گفت: «ما در زمان جنگ سفوفنی‌ها و موسیقی‌ها و سرودهای که در زمان جنگ روحیه مردم جهت‌دهی می‌کرد و باعث خلق زبان مشترک بین مردم بود. امروز ضمن را دوجندان می‌کرد و باعث خلق زبان مشترک بین مردم بود. امروز ضمن پذیرش حضور در زمانه جنگ باید اتاق جنگی شکل بگیرد که اینچنین آثاری خلق کند و باعث جهت‌دهی درست‌ت این هویت و صف ملی شکل گرفته باشند، مثل موسیقی‌های جنگ هفتم اکتر که اسرائیلیان خیلی با آن انس گرفته بودند، مثل آنچه در مستند پرم‌ز به تصویر کشیده شده است، امروز هم باید تیم‌های تولید در اتاق جنگ مشغول چنین تولیداتی باشند.»

مدیریت جنگ با جنگی مدیریت‌کردن تفاوت دارد

بادین‌فکر با اشاره به توانایی خوب دولتمردان در مدیریت مشکلات افزود: «مشکل ما این است که فکر می‌کنیم راه‌حل در عادی جلوه‌دادن اوضاع کشور است و هنوز قبول نکردیم که اوضاع مملکت جنگی است. راه‌حل، عادی جلوه دادن نیست. راه‌حل این است که بگوییم علی‌رغم شرایط جنگی‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم، همچنان هیچ تغییری و اختلالی در فرایند خدمات‌رسانی و فعالیت‌های کشور رخ نداده و وضعیت کشور معمولی است؛ واقعاً در حال حاضر همین گونه است. مدیریت جنگ با جنگی مدیریت کردن تفاوت دارد. باید نشان بدهیم شرایط جنگی است و بعدش این صحنه جنگ را با مدیریت درست و بدون اضطراب مدیریت شود. تازه بعد از چند روز شاهد این هستیم که اتاق جنگ در حال شکل‌گیری است و سخنگوی جنگ تعیین شده است و در تلویزیون سخنرانی می‌کند. این پذیرش شرایط جنگ بسیار کمک‌کننده است؛ باعث می‌شود اتاق تبلیغات ما شکل بگیرد. تولیدات رسانه‌ای و تولیدات محتواهای مختلف شکل بگیرد و اوضاع رسانه‌ای و تبلیغاتی و محتوایی ما در این اوضاع بسیار بهتر بروز پیدا کند.»

هسته‌های خودجوش بلاگرها و سلبریتی‌ها را باید متحد و ساماندهی کرد

این فعال اجتماعی با تأکید بر اهمیت و نقش پر رنگی که فعالان و بلاگرهای شبکه‌های اجتماعی دارند، گفت: «حالا که دشمن تمام‌قد در حال تولید اخبار کذب و نفرت‌پراکنی نسبت به ایران است باید از ظرفیت خودجوش و جریان‌هایی که برای ایران و ضددشمنان ایران در حل فعالیتند استقبال کرد و آن‌ها را به یکدیگر متصل کرد و این گروه‌ها را منسجم کرد. الان شاهدیم برخی رپره‌ای معروف در حال تولید موسیقی‌هایی در جهت ایجاد حس غرور و میهن‌پرستی هستند. این مسائل بسیار خوب است و باید حتماً از هنرمندان در این زمینه درخواست داشت که در این روزها آنچه را می‌توانند تولید کنند و صداوسیما و هم آثار این هنرمندان را بازنشر دهد تا حجم این تولیدات هر لحظه بیشتر شود. خیلی از بلاگرها به صورت خودجوش و صرفاً از روی همان هویت ملی‌ای که دارند امروز صفحه‌های مجازی خود را وقف حمایت از ایران کرده‌اند. باید این هسته‌های خودجوش را به یکدیگر وصل کرد و تمام‌قد از آن‌ها حمایت کرد یا کسی که بزرگ آنهاست و از او حرف‌شنوی دارند راهبری صحیح این گروه‌ها را به عهده داشته باشد و به نحو صحیح این جریان ادامه پیدا کند؛ چراکه این بلاگرها با نحوه خاصی از ارتباط‌گیری که با مردم دارند می‌توانند در راستای هویت ملی خیلی تأثیرگذار باشند.»

جای خائن‌ان داخلی امروز در زباله‌دان تاریخ است

بادین‌فکر با اشاره به بی‌اهمیت بودن و لزوم بی تفاوتی به وطن‌فروشان گفت: «دشمنان داخلی‌ای که روزی از دل ایران پا گرفته‌اند، بزرگ شده‌اند و امروز معروف شده‌اند و برای خود برو بیایی دارند، کم نیستند. شاید در بحران‌های قبل این افراد می‌توانستند به خوبی تفرقه‌اندازی کنند و باعث گسست جامعه باشند اما اگر دقت کنید امروز و در این برهه خاص از زمان، دستت این معاندان برای همه وروده است و دیگر همه می‌دانند کسانی که در آن سسوی جهان نشسته‌اند و بر ضد هویت ایرانی و تمامیت ارضی ایران محتوا تولید می‌کنند، نه غم‌خوار ملت ایرانند و نه ایران برای آن‌ها ارزشی دارد، آن‌ها نه عزت ایرانی را می‌خواهند و نه اقتدار ایران برایشان مهم است. عملاً خودبه‌خود ملت فهمیده‌اند‌ت که این گروه‌ها دغدغه ایران را ندارند و خودبه‌خود آن‌ها را به دست فراموشی می‌سپارند. اصلاً نیاز نیست که علیه آن‌ها واکنش منفی نشان داد، اصلاً نباید به آن‌ها توجه داشت. موج ملت خودبه‌خود آن‌ها را کنار می‌گذارد. قطعاً خانواده و همسایه‌ها و آشنایان یک نفر در فرایند باورهای یک فرد مؤثرتر است تا امثال فلان فوتبالیست خانن. اگر ما بتوانیم همدلی داخلی را ایجاد و مستحکم کنیم دیگر آن‌ها نقشی نخواهند داشت.»

همه مردم باید بدانند که آغازگر جنگ ما نبودیم

او بسا تأکید بر این موضوع که آغازگر جنگ ما نبودیم و ما فقط از مواضع و وطن خود دفاع می‌کنیم افزود: «در هر موقعیتی قضاوت مردم دو حالت دارد؛ یا استناد درونی می‌کنند یا استناد بیرونی. استناد درونی یعنی این جنگ به فعالیت‌های داخلی ربط داده شود و مردم فکر کنند آغازگر جنگ دولتمردان ایرانی بوده‌اند. استناد خارجی یعنی ما آغازگر جنگ نبودیم و این جنگ بر ما تحمیل شد. این رمز پیروزی هشت سال دفاع مقدس است که مردم ایمان داشتند این جنگ بر ما تحمیل شده است. دقیقاً امروز هم همین وضعیت است و این جنگ بر ما تحمیل شده و ما آغازگر این جنگ نبودیم. در جنگ مهم است که مردم استناد را به بیرون بدهند نه به درون. مردم باید بدانند این جنگ بر ما تحمیل شده است و هر چقدر هم دشمن بگوید که شما باعث شروع این جنگ بوده‌اید چیزی غیر از دروغ نیست.»

و تحلیل وضعیت اجتماعی جنگ می‌تواند شاه‌کلید مدیریت یا مهار جنگ و مدیدن به تنور آن یا پایان بخشیدن به آن باشد. اگر در همین چند روز که از آغاز جنگ می‌گذرد به اخبار و اتفاقات دوروبرمان نگاه کنیم، نمونه‌های جالبی از واکنش‌های خودجوش مدنی می‌بینیم که جای تأمل و تقویت و توسعه دارد؛ از بانکی که بازپرداخت وام‌هایش را به تعویق انداخته تا آن شیرینی‌زی که نام وطن را روی کلوچه‌هایش می‌نویسد یا میوه‌فروشی که همه چیز را به قیمت خرید برای مشتریان عرضه می‌کند و پزشکی که تهران را ترک نکرده تا مجروحان جنگ را رایگان در مان کند. به نظر می‌رسد جامعه ایرانی در حال بازیابی خود در بستر جنگ و افزایش هم‌بستگی خود است که طبعاً تاب‌آوری آن را نیز بالا می‌برد. البته نبض جامعه نسبت به جنگ ممکن است در هر لحظه از زمان و با توجه به شرایط عینی یا ذهنی، به نحو متفاوتی بزند، بنابراین در شناخت وضعیت اجتماعی جنگ با امر ثابتی روبه‌رو نیستیم و نیازمند تحلیل‌های به‌روزشونده و پویا خواهیم بود.

جامعه بر محور معانی مشترک است که شکل می‌گیرد. مردم در باره آن هم‌فکری و تبادل‌نظر می‌کنند؛ هم‌جسسی دارند و عواطف خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند و با هم عملی این چرخه را کامل می‌کنند. البته برای معناسازی ملاحظات عملی تعیین‌کننده‌ای وجود دارد، مثلاً عامل زمان در این میانه بسیار مؤثر است، زمان‌شناسی و استفاده از میان‌برهای زمانی برای اثرگذاری بر جامعه خودی و هدف چیزی است که برای اجتماعی کردن جنگ حیاتی است. همچنان که ادبیات‌سازی و استفاده از مفاهیم، استعاره‌ها و اسطوره‌ها و... برای روایت جنگ ضرورت دارد. البته مردم در برابر روند‌های اجتماعی کردن جنگ دست‌وپا بسته نیستند؛ هم آن را تفسیر می‌کنند، هم با آن همراهی کرده یا به‌گونه‌هایی در آن تغییر ایجاد می‌کنند، حتی گاهی در برابرش مقاومت می‌کنند یا انواعی از واکنش‌های ترکیبی به وجود می‌آورد، مثلاً ممکن است در حالی که به معنایی جنگ را نزد خود درونی کرده‌اند و با آن سازگار شده‌اند، معانی پسند دولت در این زمینه را پس بزنند یا با آن بسنیزند. به هر حال درک

دولت‌ها و نظامیان هم تلاشی دوسو به برای شتاب بخشیدن یا دامن زدن به اجتماعی شدن انجام می‌دهند که می‌توان آن را اجتماعی کردن جنگ نامید؛ از یک‌سو تلاش می‌کنند با آموزش و بسیج مردم خودشان درکنار کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی ناشی از جنگ، به درونی کردن همراهی با هجوم یا دفاع در جامعه دامن بزنند و نقش‌هایی را در میدان یا پشتیبانی جنگ به مردم بسپارند، از سسوی دیگر تلاش می‌کنند با جامعه هدف در جبهه مقابل خود ارتباط بگیرند، همبستگی و تاب‌آوری اجتماعی آن را از بین ببرند یا کاهش دهند و برای خود بازیگری داشته باشند. هر طرف جنگ به‌طور حیاتی به هم‌راهسازی جامعه خود و خشی‌سازی ظرفیت‌های جامعه مقابل خودش نیاز دارد. وزن این عامل چنان است که اغلب اوقات تعیین‌کننده طرف برنده واقعی در جنگ خواهد بود، بنابراین تلاش‌ها برای اجتماعی کردن جنگ از سوی دولت‌های درگیر جنگ، بالا می‌گیرد.

این تلاش یک مجموعه راهبرد برای معناسازی است؛ ارتباط با تعامل افراد در

مصطفی غفاری
جامعه‌شناس

این روزها اینجا و آنجا اصطلاح «اجتماعی شدنن جنگ» یا به تعبیر دیگری «اجتماعی کردن جنگ» را می‌بینیم. اجتماعی شدن جنگ، بیشتر وقت‌ها پدیده خودکداری است که به محض شروع جنگ اما با آهنگی تند یا کند رخ می‌دهد، چون جنگ فقط نظامیان یا دولت‌ها را درگیر نمی‌کند، بلکه سایه‌سنگینش دیر یا زود بر سر اقشار و طبقات مختلف اجتماعی می‌افتد. البته از نظر مادی جنگ برای اغلب آن‌ها زیان‌بار و برای معدودی سودآور است، برای همین ناگواری جنگ و به‌ویژه وجوه پررنگ زندگی‌سوز آن است که بیشتر مردم خواستار آغاز نشدن هر جنگی یا پایان یافتن هر چه‌زودتر آند. جنگ اما زیست جمعی آدم‌ها را رها نمی‌کند و گاهی (هرچه طولانی‌تر شود، بیشتر) هنجارها و سبک‌های زندگی را هم دگرگون و با خود سازگار می‌کند، پس جنگ زندگی‌ساز هم است و چرخه زیست و کنش‌هایی متناسب با خودش را خلق یا تقویت می‌کند. اما

جنگ چگونه می‌تواند زندگی شود؟